

«آگاهی نامه» یا شب نامه؟

جوانب قضیه است؟ و مگر نه این که شما «مردمی» هستید؟ چرا از «آگاه» شدن «مردم» نسبت به همه ی جوانب قضیه، می ترسید؟ یعنی، چرا از این که طرفداران اصلاح طلبان (که شما در شب نامه تان، آن ها را «ذوب شدگان در خاتمی» نامیده اید) دچار هراس می شوید؟ مگر آن ها به نسبت اندیشه ی شما «دگراندیش» نیستند؟ چگونه به خود حق می دهید که راه ندادن «فحاشی» به یک رسانه را، دلیل بر «خیانت به آرمان های شریف انسانی» قلمداد کنید؟

البته که یک شخصیت جدی در یک رسانه ی جدی، می کوشد که دهان دریدگی و بی حرمتی را به کارش راه ندهد! و چون نیک بنگرید (البته اگر توانش را داشته باشید) می بینید که این عمل، نفس «دگراندیشی» است. اگر مجری یک برنامه یا مدیر یک رسانه، مانند کیهان تهران و برنامه ی «هویت» صدا و سیمای جمهوری اسلامی، بکوشد که با کلام زشت، مخالفان خود را ترور شخصیت کند، آن وقت است که شما «آزادی خواهان» باید با او برخورد انتقادی کنید؛ نه وقتی که فحاشی این یا آن شونده را - به هر که می خواهد باشد - قطع می کند. مگر آن که آن «مجری یا مدیر»، از میدان تره بار فروشی تهران آمده باشد، و رسانه ی او هم رسانه ای «میدانی» باشد.

همان طور که - احتمالاً - برای اکثر نهادهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی در سطح کالیفرنیا پیش می آید، ضمن فکس نامه های رسیده به دفتر ایرانشهر، گاهی فکس نامه هائی هم هست، که نام هیچ شخصیت حقیقی و حقوقی بر آن نیست، و نهادی هم که به عنوان مسئول و فرستنده، در ابتدا یا انتهای متن آن معرفی شده، در سطح جامعه ناشناخته است.

یکی از این عنوان ها، «کانون مبارزه با رسانه های نامردمی - لس آنجلس» است، که هر از گاهی، به یکی از نهادها، یا افراد فرهنگی و مطبوعاتی می تازد، و در همه ی موارد نیز با «چماق» کلمات و برجسب هائی مانند «سانسورچی» «چماق دار» و «تروریست» شخصیت، به فرد مورد نظرش حمله می کند، و زمین و زمان را به هم می دوزد تا بگوید که طرف مورد حمله اش تحمل «دگراندیشان» را ندارد، یا از کاسه ی جمهوری اسلامی، یا «سی آی ای» نان می خورد، و «هویت» سازی های دیگر...

یکی از این گونه هویت سازی های «کانون مبارزه با رسانه های نامردمی - لس آنجلس»، هفته ی پیش به ایرانشهر رسید. عنوان آن هست: «آگاهی نامه»، و هدف آن نیز «هویت» سازی برای آقای حسین حجازی، مدیر رادیو ایران (۶۷۰ ای.ام) است.

ما در این جا بدون قصد دفاع از آقای حسین حجازی یا هر شخصیت دیگری که تاکنون مورد اتهام «کانون مبارزه با رسانه های مردمی» واقع شده، از این «مبارزه گران» شجاع می پرسیم:

● دلیل شما برای «جاسوس» بودن عباس میلانی، و حقوق گرفتن ایشان از سازمان های جاسوسی، چیست؟ مگر نمی خواهید «آگاهی» بدهید! چرا مدارک خود را رو نمی کنید، و چرا نام خود را افشا نمی کنید؟ اگر غرض شخصی ندارید، و می خواهید واقعاً «آگاهی دهنده» باشید، چرا مدارک خود را به پیشگاه ملت ایران تقدیم نمی کنید؟

● واژه ی «دگراندیش» را به خود می بندید، در حالی که، مثلاً مصاحبه ی یک رسانه با طرفداران اصلاح طلبی را دلیل «منحرف کردن جنبش آزادی خواهی در ایران» معنی می کنید. شما «آزادی خواه» هستید؟ اکنون که به یک فرد دگراندیش چنین می تازید، در فردای پیروزی عقیده تان، به «دگراندیشان» مجال «اندیشه» می دهید؟ یا مانند خمینی، همه را از دم تیغ رد می کنید؟ مگر نه این که شرط نخست «آگاهی»، آگاهی از همه ی